



سعید خاکستر

با تشکر از جناب آقای پوریا باقرپور

@Saeedkhakestar

در سال های اخیر یکی از واژه های بین فعالان بازار دهن به دهن میشود اصطلاح پرایس اکشن بوده که یکی از پر طرف دار ترین روش های تحلیلی در زمان حاضر را به خود اختصاص داده است .

اما سوال اصلی این است که چرا در بازه های زمانی مختلف نگاه فعالان بازار معطوف به یک سبک تحلیلی خاص میشود و آنها به دنبال چه چیزی هستند که سبک تحلیلی قبلیشان نتوانسته است نظر آنها را جلب کند. و اینگونه هر روز از یک شاخه به شاخه دیگر کوچ می کنند؟ آیا روش های تحلیلی جدید حرف جدیدی برای گفتن دارند؟ یا اینکه ارتباط افراد با روش های تحلیلی به خاطر متفاوت بودن روحیات آنها باعث میشود تا به دنبال پیدا کردن یک روش بهینه با توجه به ساختارهای روحی و شخصی هر روز دنبال یک روش و سبک خاص باشند تا بتوانند به آن چیزی که با روحیات آنها سازگار است دست پیدا کنند. و آیا واقعا یک سبک تحلیلی بر دیگری میتواند اولویت داشته باشد؟

مطمئناً اکثریت افراد حقیقی که وارد بازارهای مالی میشوند، به دنبال معامله گری بوده و متأسفانه به خاطر دلایل متفاوتی که اصیل ترین آن میتواند عدم وجود یک چارچوب مشخص و تدوین شده باشد، باعث سر در گمی آنها شده و به جای آنکه بتوانند به اصول معامله گری بپردازند توسط افراد خاصی با حجم بالایی از اطلاعات بی ارزش و شاید بهتر باشد بگوییم پراکنده مواجه شده و در آن غرق میشوند و از مسیر اصلی خود منحرف شده و نه تنها اصول اصلی معامله گری را هرگز یاد نمیگیرند بلکه حتی اصول اصلی تحلیلی را هم نمی آموزند و متأسفانه اینگونه هر روز به دنبال پیدا کردن آن مدینه فاضله و چراغ جادو در تو در توی این بازار مکاره برای

همیشه گم میشوند و هرگز دری برای خروج پیدا نمی کنند. در حالی که هرگز به این نتیجه نخواهند رسید برای معامله گر شدن احتیاج نیست تا هر روز به دنبال یک سبک تحلیلی خاصی باشند و تسلط بر فقط یک سبک تحلیلی میتواند برای انجام معامله کفایت کند و آن چیزی که برای معامله گری نیاز است و به عنوان کلید موفقیت از آن نام برده میشود کنترل احساسات بوده که معامله گر باید بداند که چگونه در فرایند معامله میتواند احساسات خود را کنترل کند و این نیز هرگز اتفاق نمی افتد مگر اینکه وی بتواند رفتار مارکت را بشناسد و از دانش کافی برخوردار باشد تا بتواند قدرت کنترل ریسک معامله های خود را در دست بگیرد.

ما در این بحث سعی خواهیم کرد تا کمی در مورد تاریخچه سبک تحلیلیگری پرایس اکشن صحبت کنیم و شاید نظری متفاوت تر از آن چیزی که شما آن را به عنوان پرایس اکشن میشناسید را بیان کنیم. بله، باید عرض کنیم که دیدگاه ما کمی متفاوت تر از آن چیزی هست که شما تا کنون در مورد آن مطالعه داشته اید. چون مطمئن هستیم که وقتی صحبت از پرایس اکشن میشود بسیاری از شما تعدادی از اسامی را برای ما لیست خواهید کرد که مثلا من با سبک آقایان: ال بروکس، آلفونسو مورنو، لنس بگز، ایف، نایل فولر، اندرو جیکن، گالن وودز و تعداد اندکی هم شاید به سم سیدن و غیره اشاره کنید و با آنها آشنایی داشته و در مورد آنها مطالعه کرده باشید و حتما خواهید گفت که میدانید: پرایس اکشن بررسی تاریخچه قیمت بوده و باید تحلیل بر اساس چارتی خالی از اندیکاتور و بررسی نوسانات قیمت صورت گیرد.

با تمام احترام باید عرض کنیم، آن چیزی را که شما فکر می کنید پرایس اکشن نبوده و شما در واقع یک تحلیلگر تکنیکال کلاسیک هستید که بر اساس سطوح و رفتار قیمت در حمایت و مقاومت ها و شاید در برخی موارد هم با کمک چند الگوی چارتی در حال تحلیل کلاسیک هستید و بسیاری از این عزیزان که به عنوان پرایس اکشن کار معرف حضور شما هستند همان تحلیلگران کلاسیک بوده و در دوره زمانی که دسترسی دانش پرایس وجود نداشته، جایگزین مناسبی برای آن بوده اند.

اما به خاطر احترام به تمامی دیدگاه های موجود و پیشکسوت هایی که در این زمینه فعالیت داشته اند ما نیز بر آن هستیم تا پرایس اکشن را به دو زیر گروه تقسیم کنیم که بخش اول آن مربوط به پرایس اکشن بر اساس دیدگاه های تحلیل کلاسیک بوده و بخش دوم بررسی رفتار قیمت و جریان سفارشات و شناخت سطوح عرضه و تقاضا میباشد که توسط تعدادی از اساتید نامبرده گسترش یافته است.

شاید بهتر باشد که بگوییم تحلیل کلاسیک بخش عمومی پرایس اکشن و جریان سفارشات بخش تخصصی این مبحث آموزشی بوده و شما دوستان که با کتاب ها و فیلم ها و سایت های آموزشی اساتید نام برده شده آشنایی دارید تا کنون با بخش عمومی پرایس اکشن آشنا شده اید.

اما به خاطر وجود یک تراژدی تاسف بار و غم انگیز که هر روز در حال تکرار بوده و آن عدم وجود یک دیدگاه منسجم و منظم که مطابق با یک سیستم کامل بتواند از ابتدا تا انتهای کار راهنمای مناسبی برای فعالان بازارهای مالی باشد سعی کردیم تا با ارائه یک مجموعه آموزشی در واقع به طرز فکر شما نظم ببخشیم تا بتوانید

در مرحله اول درست تحلیل کنید و ویک دیدگاه درست نسبت به اصول تحلیلی داشته باشید و این میتواند کمک بسیار مهمی باشد تا در یک سیستم مناسب درست هدایت شده و در جریان سوددهی قرار بگیریم و این موضوع آنقدر اهمیت دارد که معتقد هستیم با داشتن حتی ۵ درصد علم تکنیکال درست که آن را بکار بگیرید میتوانید با استفاده از دانش مدیریت ریسک و سرمایه و کنترل پوزیشن ها، سود گرفتن از بازار را تجربه کنید. به شرط آنکه سایر ابزار مورد نیاز را در اختیار داشته باشید که مهمترین آن روانشناسی فردی خودتان خواهد بود.

اما برای آنکه بتوانیم وارد بحث تاریخچه پیدایش پرایس اکشن بشیم باید عرض کنم اولین پرایس اکشن کاری که باید از آن نام ببریم که با بررسی نمودارها و نظریه های خود به دنبال پیدا کردن واکنش و شناخت رفتاری فعالان بازار از روی نمودار بوده کسی نیست جز "چارلز داو" بنیاین گذار نظریه و ارائه دهنده شاخص صنعتی داوجونز که قصد نداریم در این مقاله به معرفی ایشان و سرگذشت و خدماتشان پردازیم و شاید فقط کافی باشد که بیان کنیم در نظریه ایشان که بر اساس سه اصل زیر استوار است.

- اول اینکه همه چیز در قیمت لحاظ شده است.
- دوم اینکه قیمت بر اساس روند حرکت می کند.
- آخرین مورد هم اینکه تاریخ تکرار میشود و واکنش های مشابه به محرک های مشابه در بازار وجود دارد.

هرچند نظریه ایشان گسترش یافته و شامل انواع حرکت ها و روندها و اینکه باید شاخص ها یکدیگر را تایید کنند و حجم معاملات باید تصدیقی بر حرکت روند باشد و روندها بدون اختار تغییر نمی کنند، خارج از بحث ما بوده اما میتوان گفت که ایشان اولین پایه های تحلیلی پرایس اکشن برای شناخت نواحی عرضه و تقاضا را با دیدگاه های خود بنیانگذاری کرد.

در ادامه ورود ریاضیات به بحث تحلیل توسط استاتیدی مثل الیوت و نسبت دادن اصول طبیعی و ایجاد قواعد و قوانین منظم توسط ایشان و سایرین که در جهت غنی سازی علم تکنیکال بود متأسفانه در ادامه با رواج یافتن کامپیوترها و در دسترس بودن نمودارها و عمومی شدن روند تحلیل و سعی در فرمولاسیون کردن پیش بینی قیمت و رسیدن به ذهنیت افراد باعث شد تا اندیکاتورها و اسیلاتورهای زیادی روانه بازار شده و از آن به بعد ما شاهد چارت‌هایی مملو از هشدار دهنده های خرید و فروش بودیم که جریان تحلیل را از مسیر اصلی خود منحرف نمود و متأسفانه این روند تا جایی پیش رفته کرده است که بسیاری از فعالان بازار و تحلیلگران، تحلیل تکنیکال را استفاده از ابزارهای فنی دانسته و انچنان در این موضوع عرق شده اند که دیگر حتی جدا شدن از آن نیز برایشان میسر نمیباشد.

در کنار آقای داو شاید بتوانیم از شخص دیگری نام ببریم که شاید کمتر اسمی از آن در این بازار شنیده شده باشد و او کسی نیست جز ریچارد وایکف که با طراحی اندیکاتور برای حجم در بازار به دنبال نواحی عرضه و تقاضا بود و برخلاف خیلی ها که کتاب و مقاله نوشتند ایشان با بررسی رفتار تریدرهای حرفه ایی مثل جسی

لیور مور یکی از بزرگ ترین تریدر تاریخ که شاید در تمام عمرش به کتاب بیشتر نخونده باشد ، توانست مدل خاصی را در شناخت نواحی عرضه و تقاضا ارائه بدهد، ایشان به جای آنکه به گسترش دانش خود به دیگران گوشا باشد تصمیم گرفت تا با علم و دانش کسب شده برای خودش معامله کند و برخلاف خیلی از بزرگان مطرح در علم تکنیکال که در فقر به سر میبردند ایشان پول زیادی را در سکوت از بازار کسب کرد به جیب زد، و همچنان ناشناخته بود تا اینکه بعد از سالها شاید تنها یک یا دو فایل چند صفحه ای از ایشان را بتوانید در دنیای مجازی پیدا کنید اما نکته مهم این داستان از جایی شروع شده که در محدوده های سال های ۲۰۰۵ آقای سم سیدن سعی کرد تا ایده ایشان را در بازار بدون در نظر گرفتن حجم پیاده کند و سعی کرد تا نواحی عرضه و تقاضا را بدون حجم شناسایی و گسترش دهد و اینگونه به نظر ما بزرگترین پرچم دار پرایس اکشن در ارائه نواحی عرضه و تقاضا بدون حجم که به حق شاگرد خلاق برای استادش بود ظهور کرد.

البته قابل به ذکر هستش که قبل از آقای سیدن افراد دیگری هم بودند که در بین همان سالهای ۲۰۰۰ که استفاده از اندیکاتورها رواج زیادی پیدا کرده بودند خواستند با استفاده از چارت های بدون اندیکاتور به بررسی چارت پردازند و به نوعی برگشت به دوران بدون اندیکاتورها را زنده کنند که میتوانیم در این بین به گروه جیمز سیکستین اشاره کنیم ، این گروه تقریبا همزمان با راه اندازی فروم و سایت فارکس فاکتوری شروع به فعالیت کرده و شامل چند تریدر ازاد بودند که در مقابله با جریان اندیکاتور ها سعی میکردند در چارت هایی فاقد اندیکاتور وبا استفاده از رفتار قیمت و الگوها به دنبال پیش بینی شناخت حرکت قیمت باشند.

سبکی را که ما امروزه به عنوان پرایس اکشن میشناسیم در واقع بر اساس برگشت به دوران بدون اندیکاتوری بوده و از آنجا بنا نهاد شد و منصوب به فلسفه گروه **جمیز سیکستین** بوده که اعتقاد داشتند با واکنش قیمت و رفتار قیمت میتوانند آن را تحلیل کرد و نیازی به استفاده از اندیکاتورها و سایر اسیلاتورهای صادر کننده سیگنال وجود ندارد و رسیدن به عرضه و تقاضا با بررسی چارت نیز امکان پذیر میباشد. البته در چارتهای این گروه بعضاً از مووینگ ها و از الگوهای کلاسیک رایج نیز استفاده میشد.

بعد از ایشان یکی از شاگردان سم سیدن در سایت فارکس فاکتوری با ای دی REDSOWRD11 یک تایپیک به اسم PIE راه اندازی کرد که مخفف PRICE IS EVERYTHINGS بود و در این تایپیک تریدرهای یا بهتر بگم نظریه پردازهای پرایس اکشن بسیار حرفه ای تربیت شدند که از آن جمله شما مطمئناً آقای ایف رو میشناسید که سایت RTM را بعداً راه اندازی کرد و از جمله نفرات دیگر گروهی بودند که سایت ACEGAZETE را راه اندازی کردند و یکی از گردانندگان آن شخصی هستش به اسم Eagles که اگر در صحبت های ایشان دقت کرده باشید مدام از شخصی به اسم Tim morge تشکر می کند.

اگر یک سرچ در مورد انقلاب برگشت به چارت های بدون اندیکاتور در سال های بعد از ۲۰۰۰ داشته باشیم به اسامی آقای جیمز، سیدن و بعداً هم به اسم ریسورد برمیخوریم و بعد از آنها تقریباً میشود گفت بازار استاتید پرایس اکشن کار داغ و در دکان ها باز شد و به همیت عصر ارتباطات هر روز شاهد ظهور یک استاد پرایس اکشن کار در طی ساله های ۲۰۰۳ تا کنون بوده ایم.

البته الان که دیگه آقای ایف به خاطر معرفی سایتش توسط ما و حمله ایرانی ها برای عضویت، ان رو پولی کرده و باید برای اطلاعات هزینه کنید و شاید خیلی ها تمایل به این کار نداشته باشید و شاید هم دیگه ارزش نداشته باشد چون بعد از پولی کردن تعدادی از مسترها و ادمین های سایت خدا حافظی کردند و خیلی از مطالب دلیت شد، اما در فروم و سایت ایشون هنوز یک تایپیک هستش به اسم آقای وایکف که در آن عنوان می شود آقای ایف ایده فلگ و اف تی ار رو از دیدگاه وایکف قرض کرده و خود آقای ایف منکر این مورد نیست و میگوید که بله ولی روی آن کار کرده و ایده های شخصی برای ارتقاء به آن اضافه کرده است که مطمئنا درست می باشد و شاید اینجا لازم باشد که یادآوری کنیم حتی ایده فاز انباشتگی و توزیع رو که خیلی افراد در کتابهای خود به آن اشاره می کنند و از جمله آقای ال بروکس در مورد آن صحبت کرده برگرفته از دیدگاه وایکف بوده که تقریبا ۱۰۰ سال پیش آن رو مطرح کرده بود.

اگر بخواهیم در دوران فرار از اندیکاتورها از شخصی به اسم اولین کسی که اکثریت ایشون را به عنوان شخصی که در زمینه پرایس اکشن، چندین کتاب و فیلم های آموزشی داشته و موضوع را به صورت جامع و آکادمیک پی گیری کرده نام ببریم و در تمام جستجوهای اینترنتی اسم ایشان در رتبه اول نمایش داده میشود، کسی نیست جز آقای ال بروکس که اگر به چارت های ایشان نگاه کنید همچنان رد پای مووینگ دیده میشود و اکثراً از الگوهای کلاسیک استفاده می کنند و اکثر مثال های ایشان هم روی شاخص S&P500 ارائه شده است.

بهرتر است بگویم که ایشان یک تحلیلگر کلاسیک هستند که به خاطر عدم استفاده از انواع اندیکاتورها و اسیلاتورها به پرایس اکشن کار معروف شده و به ادعای خود ایشان، به خاطر بیش از ۳۰ سال فعالیت در بازارهای مالی و رابطه ای که با قیمت و حرکت پیدا کرده اند، اکثر الگوها مورد استفاده به صورت تجربی و همراه با تعامل ایشان با بازارهای مالی بهینه شده است.

به گفته ایشان در زمان فعالیت با اکثر سیستم های مطرح زمان خودشان مانند ایچیموکو کار کرده و به آنها تسلط داشته و در آخر به پرایس اکشن رسیده اند و این پرایس اکشنی که کار می کنند اکثراً همان خط روند و الگوهای ویچ و گوه و کلا در نگاه اول چیزی فراتر از تحلیل کلاسیک در تحلیل های ایشان به چشم نمیخورد اما با توجه به سابقه فعالیت برخی از موارد به تجربه کاری خودشان برمیگردد که آنها را به تحلیل کلاسیک اضافه کرده اند.

اعم از برخی الگوهایی که در سشن ها اتفاق می افتد و به بازه زمانی خاصی مرتبط میشود که مطمئناً هر تریدر در مدت فعالیت خود به این نتیجه میرسد که مثلاً ساعت هشت لندن میتواند یکی از ساعت های ترید باشد. ایشان در مباحث خودشان به موضوع بیگ بویز ها هم به نوعی اشاره می کنند که در بعضی از متون به بانک تریدر نام برده و یا در مقاله های آقای ایف به اسم ای تی اسم برده شده است.

شاید این گفته ما برای خیلی ها خوشایند نباشد، ولی آقای ال بروکس که به عنوان پرچم دار پرایس اکشن در دوره دوم شناخته میشود در کل فراتر از الگوهای کلاسیک، پرچم و مثلث ها و سایر چارت پترن ها حرفی برای

گفتن نداشته باشد و تنها در برخی موارد تعاریف دیگری به آنها اضافه کرده و یا رویکردی جدید به برخی از آنها داشته که به صورت تجربی به آنها دست پیدا کرده است. مثلا در برخی موارد حتی به هیدن گپ ها اشاره کرده و بحثهایی مانند وکیوم افکت را ارائه داده و به فعل و انفالات قیمتی در موج پنج اشاره می کند و در الگوهای که استفاده می کنند، تعدادی نکات ریزتر و تبصره هایی که به تجربه دریافته را اضافه کرده است. ولی به نظر ما هنوز نمیتوان گفت که پا از تحلیل تکنیکال فراتر گذاشته باشد اما تحلیل تکنیکال غنی تری ارائه نموده و نگارش چندین جلد کتاب حتی در زمینه تحلیل کلاسیک از طرف ایشان کار بسیار با ارزشی بوده که نباید نادیده گرفته شود و با توجه به تبصره هایی که به الگوها اضافه شده به نوعی دست و پای تریدرهای بلند مدت تر را برای ترید محدود کرده و اکثر کسانی که با روش ایشان کار می کنند به نوعی اسکالپر هستند. همانطور که خودشان هم به این نکته اشاره نموده و شاید یکی از افتخارات خودشان را همین اسکالپر بودن میدانند و بسیاری از کسانی که خودشان را اسکالپر میدانند از دید ایشان اسکالپر نیستند.

از ال بروکس که بگذریم در جستجوهای اینترنتی به اسامی مثل: نیل فولر و گلن وودز و جاناتان فاکس و کریس کاپره و اسامی دیگر برخورد می کنید و اگر در سایت های آنها نگاه داشته باشید کاملا مشخص است که تمایل به الگوهای کندلی و چارتی و استفاده از حمایت و مقاومت های کلاسیک در تحلیل های آنها کاملا مشهود است.

اما در این بین به اسم "سم سیدن" برخورد می کنید که میتوان گفت به عنوان یک جریان ساز در زمینه پرایس اکشن حرف های زیاد داشته باشد و وجود مقاله هایی که نقد بر نظریه های ایشان نوشته شده نشانگر آن است که نظرات ایشان تاثیر گذار بوده و عمده تفاوت سم سیدن نسبت به سایرین این بوده که ایشان به خاطرشغلی که داشتند و در اتاق معاملات ترید میکردند و مستقیم با سرمایه دارها و سرمایه گذارها در ارتباط بوده میتوانسته از نزدیک با روحیات و احساسات آنها ارتباط برقرار کرده و شناخت کاملی از واکنشهای آنها در مواجهه با ریسک داشته باشد وهمچنین ایشان در مقطعی از زمان کارگزاری داشته و به اکثر داده ها و حجم داد و ستدها دسترسی داشته و در خاطراتش به این نکته اشاره دارد که مشاهده میکرد عده ای از معامله کننده ها روز به روز در حال سود و روند ها و حرکت ها را شکار می کنند و عده ای نیز همیشه در حال ضرر کردن هستند.

شاید اصلا این موضوع باعث شده تا آکادمی آنلاین تریدینگ ایجاد کند و جزء اولین کسانی باشد که برگزار کننده سمینار و وبینارهای زیادی بوده که حاصل آن تربیت شاگردهایی بوده که هر کدام در آینده برای خودشان حرفی برای گفتن داشتند که میتوان به الفونسو و گروهی که بعد از جدایی از فوروم نویسی در فارکس فاکتوری سایت ار تی ام را ایجاد کردند نام برد.

شاید به جرات میتوان گفت بعد از وایکوف سم سیدن اولین کسی بود که بحث عرضه و تقاضا را بعد از حدود هشتاد سال دوباره مطرح کرد البته نه اینکه بحث عرضه و تقاضا مطرح نشده بوده و یا در بازار نبوده بلکه

ایشانن به دنبال پیدا کردن ناحیه های عرضه و تقاضا در دل کندل ها بوده و بحث فلگ ها را در سال تقریبا ۲۰۰۵ به ان اشاره داشته که بعدا شاگردان ان در RTM مباحث را بسط دادند.

لازم هست که اشاره ایی هم به ولیامز و بحث فرکتالها و پیدا کردن عرضه و تقاضا توسط ایشان البته با استفاده از انواع اندیکاتورهایی که طراحی کرده نیز داشته باشیم که به خاطر اندیکاتوری بودن از بحث ما خارج می باشد. برگردیم به نگرش سم سیدن که اگر بگویم برای پرایس اکشنی که امروزه مطرح هست ایشان با خروجی ها و نظرات و دیدگاه هایی که بتوان با نگاه کردن به چارت ناحیه های عرضه و تقاضا را تشخیص داد باید پرچم دار باشد حقی از کسی ضایع نکرده ایم.

چون نگرش عرضه و تقاضا و پیدا کردن انها که بعدا در ارتی ام پخته میشود حاصل فعالیت غیر مستقیم شاگردهای ردهسورد هستش که ردهسورد شاگرد سم سیدن بوده که بعدا هرچند برگزار کننده دوره های آموزشی بوده ولی شاید هرگز بجز عوض کردن تعدادی واژه و اصطلاحات نتوانست پیشرفتی داشته باشد و چیزی به آموزه های استادش اضافه کند

در یک جمع بندی کلی شاید بتوانیم پرایس اکشن کارها رو به چند دسته زیر تقسیم کنیم.

دسته اول آنهایی که به نوعی شاید همان تحلیل تکنیکال کلاسیک کار می کنند مثل فولر و جاناتان فاکس و گلن وودز و هم رده های آنها که اکثر تمرکزشان روی پیدا کردن حمایت و مقاومت در چارت و بررسی رفتار و واکنش کندلها روی سطوح حمایت و مقاومت بوده که ساده ترین روش تحلیل و شاید هم بتوانیم بگوییم بهترین روش تحلیل که اگر در کنار سایر ایتیم های مدیریت سرمایه و ریسک از ان استفاده بشه حتما برای تریدر سودآوری را به همراه خواهد داشت.

دسته دوم کسانی که کمی پا را فراتراز تحلیل کلاسیک گذاشته و با نگاهی تقریبا جدیدتر با ترکیب کندلها و الگوها و مومنتوم ها و بیس ها و نگاهی ترکیبی به همه آنها سعی در شناخت عرضه و تقاضا دارند و طیف اولیه این گروه که از بازارهای فیوچرز کارشان را شروع کردند با استفاده از حجم در ناحیه های حمایت و مقاومتی سعی داشتند تا بتوانند به نواحی عرضه و تقاضا که دیگران در ان قیمت به خرید و فروش تمرکز دارند دست پیدا کنند.

در این بین دسته سومى هستند که پا را فراتراز شناخت ناحیه ها گذشته و به دنبال شناخت ذهنیت قیمت هستند یا بهتر بگوییم به دنبال جامعه شناسی و رونشناسی تریدری هستند و می خواهند ذهن بازارگردانها و یا به

نوعی لیکوییتی پروایدرها و تامین کننده ها و سفته‌بازهای را بخوانند. این عده علاقه شدیدی به این دارند که بگویند بازار دست یک عده خاص بوده و در حال کنترل است ، هرچند نظریه آنها کاملا قابل دفاع نیست اما اگر بتوانیم بدانیم دیگران و یا بزرگان در بازار به چه چیزی فکر می کنند مطمئنا برگ برنده در دستان ما خواهد بود. یکی از گروههایی که سعی کردند پا جای پای استاد خود گذاشته و بتوانند نواحی عرضه و تقاضا را بدون در نظر گرفتن حجم معاملات پیش بینی کنند گروه مسترهای آقای "ایف" در سایت RTM بود که متاسفانه شما با بررسی کار این گروه نمیتوانید یک راهکار واحد را تشخیص بدهید و به نوعی هر کدام با نگرش و زاویه دید خودشان تحلیل دارند و شما این تفاوت را در مسترهای سایت به وضوح مشاهده می کنید به نوعی که ترید در RTM شخصی شده و استاد و شاگرد با توجه به یک موضوع تریدهای معکوس یکدیگر انجام میدهند و هم زمان از یک موضوع دو برداشت متفاوت دارند. و مطمئنا خواننده در این دیدگاه دچار سردرگمی شده و تشخیص جهت بازار با راهکارهای ارائه شده برای مبتدیان بسیار سخت خواهد بود که احتمالا علت عمده این تفاوت ورود تایم فریم به حیطه کاری شاگردان ردسورد در RTM بوده که نتوانستند به یک سبک واحد دست پیدا کنند. و ارتباط حرکتی بین تایم فریم ها را کاملا توضیح دهند.

نکته جالب برای افرادی که سال ها در بازارهای مالی فعالیت دارند و با مجموعه آموزشی که توسط گروه تریگر پرایس اکشن طراحی شده رو به رو میشوند ، در واقع شاید حرف جدیدی برای گفتن برایشان وجود نداشته باشد و همه صحبت ها برای آنهایی که حداقل چند سال سابقه فعالیت در بازار را داشته و به تحلیل تکنیکال کلاسیک تسلط دارند، تکراری بوده اما آن چیزی که این مجموع را از سایر مجموعه ها و سبک های دیگر متمایز می کند، داشتن یک دیدگاه درست و منظم که تمام اصول اولیه را گام به گام و تدوین شده ارائه میدهد و برای مبتدیان بازار هم تنها لازم است تا اصول مقدماتی و تعاریف و اصلاحات اولیه را بدانند و با آن آشنایی مقدماتی داشته باشند.

ما در روشی نوین که مبتنی بر تمامی اجزاء حرکت قیمت است سعی خواهیم کرد تا با دید فرکتالی به حرکت قیمت و پیدا کردن ارتباط معنی دار حرکت های بین تایم فریم ها و پیوت های تشکیل شده در تایم فریم ها و استفاده از الگوهای عرضه و تقاضا بهترین قیمت هایی که احتمال وجود سفارش در آنها وجود دارد و فعالان بازار تمرکز روی آن نواحی و قیمت ها را مد نظر دارند را پیدا کرده و بهترین معامله ها با کمترین ریسک را با توجه به زمان، قیمت و الگو با استفاده از خاصیت مولتی تایم فریم و توان حرکتی قیمت در هر تایم بر اساس فرمول میانگین توان حرکتی قیمت ارائه دهیم.

ولی مطابق با یک دیدگاه خاص در کورس آموزشی که می بینید، مطالب کاملاً پراکنده در قسمت‌های مختلفی گفته شده و شما برای یادگیری احتیاج دارید تا یک بار همه جلسات را ببینید و با دیدگاه ارائه شده آشنایی ابتدایی پیدا کنید، در مرحله دوم باید مجدداً جلسات را از ابتدا مشاهده کرده و دسته بندی مطالب را خودتان انجام بدهید. این روش باعث میشود تا شما تسلط کافی و لازم را روی همه مباحث ارائه شده پیدا کنید. ضمن اینکه بسیاری از نکات کلیدی در ویدئوها ارائه نشده تا شما برای تمرین و پیگیری مطالب به مربی های ما در کانال تریگر پرایس اکشن مراجعه کرده و به خاطر اینکه دیدگاه تحلیلی بخش کلاسیک کاملاً نوین بوده بتوانید از تجربیات آنها جهت تسلط بر این دیدگاه تحلیلی استفاده نمایید.

در بخش دوم دوره آموزشی به مبحث الگوهای پرایس اکشنی از آقایان سم سیدن و سایر پیشکسوتان اشاره کرده و سعی می کنیم تا با ارائه دیدگاه های مختلف آنها از جمله دیدگاه ارائه شده از طرف آقای ایف در تکمیل مطالب ارائه شده استفاده نماییم. و در این راستا گروهی از دوستان مترجم ما اقدام به خرید آخرین منابع پرایس اکشنی کرده و ضمن ترجمه آنها مقالات مورد نظر را در یک کانال تقدیم شما می کنند.

با احترام

سعید خاکستر - بهار ۹۸